

واکاوی قلمرو جغرافیای سیاسی والیان فیلی پشتکوه

خداکرم مظاهری^۱

ابراهیم یعقوبی^۲

سیاوش یاری^۳

چکیده

والیان فیلی یکی از سلسله‌های محلی ایران است که در لرستان پیشکوه و پشتکوه حکمرانی داشتند. در روزگار سلطنت قاجاریه قلمرو والیگری آنان صرفاً به قسمت کوچکی از این ناحیه به نام پشتکوه محدود گردید و با عنوان «والیان فیلی پشتکوه» مشهور شدند. یکی از نکات مبهم در مورد والیان فیلی پشتکوه، حدود و ثغور قلمرو حکومت محلی آنهاست؛ به‌ویژه اینکه واکاوی نوشته‌های دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که علاقه‌ای نسبی در میان محققان معاصر در راستای برابرسازی قلمرو «پشتکوه» با حوزه «استان ایلام» شکل گرفته است؛ در واقع در این پژوهش‌ها نوعی بیتوجهی نسبت به واقعیات تاریخی دیده می‌شود. در نوشتار حاضر از طریق بازخوانی و بررسی منابع تاریخی تلاش شد تصویر روشنی از قلمرو والیان فیلی پشتکوه ترسیم شود. نتایج پژوهش حاکی از این است که حوزه طبیعی پشتکوه شامل مناطق جنوب، جنوب غرب، غرب و شمال غرب کبیرکوه بوده که با توجه به ضرورت‌های سیاسی تاریخی دوره قاجار، به قلمرو جغرافیای سیاسی والیان تبدیل شده است. پشتکوه محدود به قسمت‌هایی از استان ایلام بوده و تمام حوزه این استان را در بر نمی‌گرفته است؛ پس نباید استان ایلام را با پشتکوه برابر دانست؛ در واقع، پنداشت برابر دانستن پشتکوه با حوزه استان ایلام از عدم آگاهی محققان معاصر سرچشمه می‌گیرد. **واژگان کلیدی:** والیان فیلی، پشتکوه، قاجار، جغرافیای سیاسی، کبیرکوه.

مقدمه

حکومت والیان فیلی پشتکوه یکی از حکومت‌های محلی دوره قاجار است که از مدتها قبل، قلمرو حکمرانی آنان سراسر ناحیه لرستان فیلی (لر کوچک) بود، لیکن با روی کار آمدن سلسله قاجار، امکان دسترسی والیان به قسمت اعظم این سرزمین به نام پیشکوه کم شد و قلمرو والیگری آنان فقط به قسمت کوچکی از لرستان فیلی به نام پشتکوه محدود گردید. تقسیم‌بندی پیشکوه و پشتکوه از دوره قاجار، به‌ویژه از زمان انتقال والیان از پیشکوه به پشتکوه، وارد حوزه تقسیمات سیاسی این دوره شد و تا دوره پهلوی همچنان مطرح بود (دوبد، ۱۳۷۱: ۴۲۰؛ کرزن، ۱۳۷۳: ۳۳۰). والیان فیلی بیش از ۱۳۰ سال (۱۱۷۵-۱۳۰۷ ه.ش.) در پشتکوه به والیگری پرداختند. پشتکوه که از نگاه سرزمینی ماورای کبیرکوه را در بر می‌گیرد، در دوره قاجار به قلمرو حکمرانی والیان فیلی پشتکوه تبدیل شد. در واقع پشتکوه تنها در دوره قاجار به عنوان قلمروی سیاسی مطرح شد. موقعیت امروزی شهر ایلام (مرکز استان ایلام) در گذشته اطرافگاه تابستانی والیان فیلی پشتکوه بود. حسینقلی‌خان که ظاهراً قدرتمندترین والیان بود، در محل کنونی شهر ایلام که دهبالا نامیده می‌شد، اردوگاه، عمارت پارک و عمارتی اعیانی را بنا کرد که مرکز تابستانی والیان فیلی پشتکوه گردید و از این زمان ده‌بالای قدیم به حسین‌آباد معروف شد (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۲۹). حسین‌آباد در دوره پهلوی اول، هسته اولیه شهر امروزی ایلام گردید و در خردادماه ۱۳۱۵ ه.ش. به ایلام تغییر نام داد (ظاهری، ۱۳۵۱: ۱۷). در تغییراتی که در تقسیمات سیاسی سال‌های بعدی دوره پهلوی رخ داد، استان ایلام با مرکزیت شهر ایلام شکل گرفت. اسناد، کتب، مقالات و رساله‌های متعددی در مورد والیان فیلی پشتکوه وجود دارد که نام بردن از همه آنها فهرست طولی را تشکیل می‌دهد، با این حال یکی از نکات مبهم در مورد والیان فیلی پشتکوه که کمتر به آن پرداخته شده است، حدود و ثغور قلمرو جغرافیای سیاسی حکومت محلی آنهاست. کنکاش در نوشته‌های دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که بیشتر محققان معاصر علاقه‌مند به برابر دانستن قلمرو «پشتکوه» با حوزه «استان ایلام» هستند. چشمپوشی از برخی واقعیات تاریخی در معرفی قلمرو والیان فیلی پشتکوه در نوشته‌های بیشتر محققان متأخر محسوس است. با بررسی آثار پژوهشگران و محققان دهه‌های اخیر می‌توان نظرات آنان را در خصوص حدود و سرحدات پشتکوه در چهار قالب مطرح نمود:

- گروه اول شامل پژوهشگرانی می شود که تعداد آنها زیاد نیست. این گروه کبیرکوه را مرز و حدّ فاصل بین پیشکوه و پشتکوه می دانند و معتقدند که پشتکوه قسمتی از استان ایلام امروزی را در بر می گرفته است (شاکرمی، ۱۳۷۱: ۹۱-۹۲ و ۱۱۰؛ خیتال، ۱۳۶۹: ۱۱۶-۱۱۷).

- گروه دوم که تعداد آنها نیز در حال افزایش است، پشتکوه و استان ایلام را برابر می دانند (اکبری، ۱۳۹۳: ۱۴؛ همو، ۱۳۹۰: ۱۵ و ۱۲۴؛ بهرامی، ۱۳۸۸: ۱۰؛ مرادی مقدم، ۱۳۸۵ الف: ۲۵-۲۶؛ همو، ۱۳۸۵ ب: ۷۴؛ امید فرد و بهرامی، ۱۳۹۷: ۶۱؛ نورایی و مهمان نواز، ۱۳۹۱: ۲۱).

- گروه سوم محققانی را شامل می شود که گاهی کبیرکوه و گاهی رودخانه سیمره را مرز و حدّ فاصل بین پیشکوه و پشتکوه معرفی کرده اند: (بهرامی، ۱۳۸۸: ۱۴، ۲۳ و ۲۴؛ مرادی مقدم، ۱۳۸۵ الف: ۲۵-۲۶؛ همو، ۱۳۸۵ ب: ۷۴؛ نورایی و مهمان نواز، ۱۳۹۱: ۲۲؛ کریمی، ۱۳۱۶: ۲۷ و ۷۶). این گروه در نوشته های خود دو نظر متفاوت را بیان کرده اند.

- برخی از محققان نیز رودخانه سیمره را سرحدّ مابین پیشکوه و پشتکوه می دانند، بدون اینکه به علت شکل گیری پشتکوه که همانا ارتفاعات عظیم کبیرکوه است، توجه نمایند (بدیعی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۵۰).

مرادی مقدم (۱۳۸۵ الف) در کتاب خود، بحث مفصلی در مورد حدود پشتکوه دارد و مطالب و اطلاعات ارزشمندی را در مورد ساکنان این منطقه در دوره والیان فیلی به نگارش در آورده است. در این کتاب «پشتکوه» با «استان ایلام» برابر دانسته شده و یک مرتبه کبیرکوه و یکبار رودخانه سیمره به عنوان مرز و حدّ فاصل پشتکوه و پیشکوه معرفی شده است (همو، ۱۳۸۵ الف: ۲۵-۲۶). مرادی مقدم در جای دیگر نیز همین مطالب را نشر داده است (همو، ۱۳۸۵ ب: ۷۴).

بهمن کریمی (۱۳۱۶: ۲۷ و ۷۶) در معرفی کبیرکوه چنین می گوید: «این کوه بزرگ و عریض حدّ فاصل بین لرستان پیشکوه و پشتکوه است به عبارت اخری شرق این کوه را پیشکوه و غربش را پشتکوه خوانند؛ بنابراین می توان این کوه را حدّ فاصل دانسته و لرستان را هم به دو قسمت پشتکوه و پیشکوه قسمت نمود». وی در جای دیگر نیز در معرفی محدوده پشتکوه چنین آورده است: «پشتکوه از شمال غربی محدود است به باوندپور (کلهر) و از شمال شرقی و جنوب شرقی به سیمره (نه کبیرکوه) و کرخه و از جنوب غربی و مغرب به عراق» (همان).

یکی از تیم‌های مهم مطالعات باستان‌شناسی که سال‌های متمادی در محدوده استان ایلام به مطالعه و تحقیق پرداخت، گروه باستان‌شناسی بلژیکی بود. این گروه نیز در معرفی سرحدات پشتکوه دچار تناقض‌گویی شده‌اند. اورلیت و هرینک (۲۰۰۰، ۱۶۴)، از اعضای این گروه، مرز بین دو منطقه را چنین معرفی کرده‌اند: «به عنوان مرجعی به کبیرکوه نگریسته می‌شود که لرستان را به دو منطقه پشتکوه و پیشکوه تقسیم می‌کند. رودخانه سیمره و یکی از شاخه‌های فرعی آن به نام آب آسمان آباد مرز واقعی بین دو منطقه پیشکوه و پشتکوه را تشکیل می‌دهد».

خیتال (۱۳۶۹: ۱۱۶-۱۱۷ و ۱۷۶) در پژوهش خود گفته است: «پشتکوه واقعی همان مناطق واقع در آن طرف کبیرکوه بود که قسمتی از منطقه منفصلشده جدید را در بر می‌گرفت، ولی به هر حال به مردم کل مناطق تابع استان ایلام، پشتکوه می‌گویند. حال این طور نیست و منطقه ایلام و دیگر توابع آن به غیر از مناطق آن طرف کبیرکوه، جزء پیشکوه محسوب می‌شوند؛ اما تابع لرستان نیستند، بلکه تابع استان ایلام هستند. کلمه پشتکوه به خاطر کبیرکوه که مانند دیواری بلند و ممتد می‌باشد، به وجود آمده است و می‌توان به طور دقیق آن را به مناطق آبدانان، دهلران، زرین-آباد و قسمتی از مهران و ملکشاهی محدود کرد. در حقیقت استان ایلام به دو قسمت تقسیم می‌شود: پشتکوه حقیقی و واقعی؛ یعنی سرزمینی که آن طرف کبیرکوه به طرف مرز کشور عراق واقع است و شامل شهرستان‌های دهلران و آبدانان و قسمتی از بخش ملکشاهی و مهران می‌شود. بقیه استان ایلام نیز که جلو رشته کبیرکوه واقع است، پیشکوه استان ایلام نام دارد و شامل دیگر شهرستان‌های تابع این استان است».

برای روشن کردن ابهامات موجود، ضرورت دارد تصویر روشنی از قلمرو والیان فیلی پشتکوه ترسیم شود و از آنجا که پژوهش مستقل و منسجمی در این زمینه وجود ندارد، پرداختن به آن ضروری است؛ لذا در این نوشتار با بازخوانی و بررسی نوشته‌های مورخان، سفرنامه‌نویسان و محققان این دوره، تلاش می‌شود تصویر روشنی از قلمرو جغرافیای سیاسی والیان فیلی پشتکوه ترسیم گردد. این مقاله از نوع پژوهش‌های نظری است که با روش توصیفی تحلیلی نگاشته شده است و هدف از آن بررسی گستره قلمرو حاکمیت و تملک والیان فیلی پشتکوه و در نهایت ارزیابی و ترسیم حدود آن می‌باشد.

استان ایلام و کبیرکوه

استان ایلام با ۲۰۰۷۷ کیلومتر مربع مساحت در غرب سلسله جبال زاگرس و در گوشه غربی کشور واقع شده است و از جنوب با استان خوزستان، از شرق با استان لرستان و از شمال با استان کرمانشاه همسایه می‌باشد و از سمت غرب با کشور عراق ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک دارد (دفتر آمار و فناوری اطلاعات، وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۶: ۳-۴). بر اساس جدیدترین تقسیمات کشوری، استان ایلام از ده شهرستان تشکیل شده است که عبارتند از: آبدانان، ایلام، ایوان، بدره، دره شهر، دهلران، چرداول، سیروان، ملکشاهی و مهران (نقشه ۱).



نقشه (۱). استان ایلام و تقسیمات آن به تفکیک شهرستان

حوزه جغرافیایی استان ایلام امروزی، در حدود دو دهه، قسمتی از حوزه استان پنجم (کردستان) محسوب می‌شد (رزم‌آرا، ۱۳۳۱). در سال ۱۳۴۳ هـ.ش. فرمانداری کل ایلام و پشتکوه به مرکزیت شهر ایلام تأسیس شد که شهرستان‌های تابعه آن عبارت بودند از: ایلام، مهران، دهلران و بدره. این فرمانداری کل در سال ۱۳۵۳ هـ.ش. به دلایل سیاسی، اداری و موقعیت مرزی



خود به استان تبدیل شد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۴: سه). این استان در منطقه‌ای کوهستانی و کاملاً ناهموار در حاشیه جنوب غربی رشته کوه زاگرس قرار گرفته است. کبیرکوه و رودخانه سیمره (صیمره) مهمترین عوارض طبیعی استان هستند. رشته کوه مرتفع و موازی کبیرکوه به طول ۱۶۰ کیلومتر از شمال غربی تا جنوب شرقی استان را در بر گرفته است و قسمتی از مناطق شمال و شمال غربی آن را از قسمت‌های دیگر مجزا می‌کند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام، ۱۳۸۵: ۲۹ و ۴۱، جدول ۱-۲) و به گفته کیهان (۱۳۱۰، ج ۱: ۷۴-۷۵) «کبیرکوه غربی‌ترین کوه مهم جبال زاگرس در غرب ایران است که سرزمین‌های پست عراق را از دره‌های مرتفع غرب ایران جدا می‌کند. رودخانه سیمره که از حوالی کوه الوند در استان همدان سرچشمه می‌گیرد، پس از دریافت شعبه‌هایی از ملایر، تویسرکان و نهاوند، از بستر کوهستانی باریکی می‌گذرد و با عبور از کنار بیستون به کرمانشاه می‌رسد. در آنجا پس از الحاق قره‌سو به آن و مشروب ساختن کرمانشاه، با دریافت شعبه‌های دیگری مانند رود ماهیدشت، وارد سرحدات مرزی بین استان‌های لرستان و ایلام می‌شود. این رود شعبه‌های متعدد دیگری را از لرستان و ایلام دریافت می‌کند و به سوی جلگه خوزستان پیش می‌رود. طول آن نیز ۷۵۵ کیلومتر است». امروزه این رودخانه در قسمت‌هایی از مسیر خود مرز طبیعی بین استان‌های لرستان و ایلام را تشکیل می‌دهد (ناشناس، ۱۳۷۰: ۱۲۰). با توجه به نقشه ناهمواریهای استان ایلام، به خوبی معلوم می‌شود که نیمه شرقی و شمال شرقی استان از ارتفاعات و کوهستان‌های بلند و نیمه غربی و جنوب غربی منطقه از ناحیه‌ای کمارتفاع با شیبی به طرف غرب تشکیل یافته است که دشت‌های وسیع مناطق گرمسیر مهران، دهلران و دشت عباس را شامل می‌شود. ارتفاع این دشت‌ها از ۳۰۰ متر کمتر است. وجود این ناهمواریها در مجاورت سرزمین‌های پست، اختلاف ارتفاع این دو نیمه را به حدود ۳۰۰۰ متر رسانده است. با توجه به این خصوصیت طبیعی، شکلی از زندگی در این استان به چشم می‌خورد که امروزه به نام نظام عشایری و ایلی معروف است. عشایر در زمانی که هوا گرم می‌شود و فصل تابستان فرا می‌رسد به مناطق خنک ییلاقی و مرتفع کوچ می‌کنند و در زمانی که برودت و سرما، شمال و مشرق استان را در بر می‌گیرد به نواحی پست و گرم غرب و جنوب غرب می‌روند. بدین ترتیب باید گفت که استان ایلام یک منطقه عشایری است و بخش اعظم ساکنان آن را ایلات و عشایر تشکیل می‌دهند که بافت فرهنگی ویژه‌ای دارند (حقیقت رفیع، ۱۳۷۶: ۸۹).

استقرار والیان فیلی در پشتکوه

بررسی متون تاریخی گویای این است که در قرون گذشته ولایت‌های مهرگانکدک (مهرگان‌قذق، مهرجانکذک، مهرجانقذب، مهرکانکدک) با مرکزیت سیمره (سیمره) و ماسبذان (ماسذان، ماسپندان، ماسبتان، ماسهبندان) با مرکزیت سیروان (شیروان) در محدوده استان ایلام امروزی واقع بودند. طبق گفته یعقوبی (۱۳۷۸، ج ۱: ۲۱۸) «در زمان ساسانیان، این دو ولایت جزو استان قهستان بودند». ولایت مهرگان کدک در شرق استان و در محدوده شهرستان دره‌شهر (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۷-۸۸) و ولایت ماسبذان در غرب استان و در محدوده شهرستان‌های ایوان، ایلام، سیروان و چرداول (مظاهری، ۱۳۸۹: ۵۹-۶۹) بوده است. با تصرف منطقه توسط مسلمین در صدر اسلام، استفاده از اصطلاح «جبال» یا کوهستان برای نامیدن این منطقه و نواحی پیرامون آن مرسوم گردید و در این زمان شهرهای سیمره و سیروان در ذیل شهرهای جبال ذکر شده‌اند (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۶۴؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۵). ایالت جبال در دوره سلجوقیان تغییر نام داد و عراق عجم نام گرفت (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۸۵: ۷۶ و ۷۷). ظاهراً تا پیش از قرن چهارم هـ.ق. مناطق لرنشین را، بدون آنکه مرزهای آن به طور دقیق مشخص شده باشد، روی هم رفته لرستان می‌نامیده‌اند؛ اما بعداً این سرزمین به دو منطقه لر کوچک و لر بزرگ تقسیم گردیده و چگونگی و ماهیت اساس این تقسیم‌بندی مشخص نشده است (همان: ۷۵ و ۷۶). لر بزرگ شامل منطقه کوهستانی بختیاری بود که از سرحدات فارس به طرف مغرب تا رود دز کشیده شده بود و لر کوچک بین رود دز در شرق و جلگه‌های آشور در عراق قرار داشت که از شمال به کرمانشاه و از جنوب به سوزیانا در خوزستان محدود بود (راولینسون، ۱۳۶۲: ۴۸؛ دوئید، ۱۳۷۱: ۴۱۹-۴۲۰؛ کرزن، ۱۳۷۳: ۳۳۰). مرز این دو قلمرو را رودخانه دز تشکیل می‌داد. از آغاز حکومت صفویه به بعد، منطقه لر بزرگ به سرزمین‌های بختیاری و کهکیلویه و منطقه لر کوچک به لرستان فیلی معروف شد و لرستان فیلی نیز در زمان سلطنت آقامحمدخان قاجار به دو منطقه پشتکوه و پیشکوه تقسیم گردید (افشار سیستانی، ۱۳۶۶: ۳۴۷).

اتابکان لر کوچک در فاصله سال‌های ۵۶۳-۹۷۵ ه.ش. به مدت چهار قرن بر منطقه لر کوچک حکومت کردند (همو، ۱۳۷۲: ۱۳۳). شاهوردی‌خان که آخرین اتابک لر کوچک بود در سال ۹۷۵ ه.ش. شورش کرد و سرانجام خود

و افرادش به دستور شاهعباس بزرگ از بین رفتند (ترکمان، ۱۳۹۰: ۶۷۸-۶۷۹). پس از آن، شاهعباس عنوان «آتابک» را منسوخ کرد و حکمرانی را به حسین خان فیلی، پسر دایی شاهوردی خان، سپرد و به او لقب «والی» داد. از این زمان به بعد حاکمان سرزمین لرها را «الیان لرستان فیلی» می خواندند (صفینژاد، ۱۳۸۱: ۴۴۶ و ۴۶۰؛ ساکی، ۱۳۴۳: ۳۰۴). والیان تا روزگار سلطنت قاجار بر سراسر لرستان فیلی (لر کوچک) فرمان میراندند. در اوایل سلطنت قاجار، پیشکوه که مهمترین قسمت لرستان فیلی بود از قلمرو آنها جدا شد و خرم آباد و قلعه فلک الافلاک را ترک کردند و قلمرو والیگری آنها به پشتکوه منتقل و محدود گردید و از این زمان به «الیان فیلی پشتکوه» مشهور شدند. سلسله والیان از سال ۹۷۵ تا ۱۱۷۵ هـ.ش. به مدت دو قرن بر تمام لرستان فیلی حکمرانی کردند؛ لیکن با شکل گیری سلسله قاجار و طی سالهای ۱۱۷۵-۱۳۰۷ هـ.ش. قلمرو حکمرانی آنان صرفاً به ناحیه پشتکوه که قسمتی دورافتاده در غرب لرستان فیلی بود، محدود شد و بیش از ۱۳۰ سال نیز در پشتکوه والیگری کردند (جدول شماره ۱). به هر حال نباید از این موضوع چشمپوشی نمود که والیان فیلی پشتکوه در زمره نادر سران و طوایف دوره قاجار بودند که تا پایان این دوره هنوز کم و بیش اقتدار داشتند (کرزن، ۱۳۷۳: ۳۲۷). یکی از عوامل مهم تداوم حکمرانی آنان در پشتکوه، موقعیت جغرافیای طبیعی این منطقه بود. فاصله زیاد و دوری پشتکوه از حکومت مرکزی و دیواره بلند و طویل کبیرکوه باعث شده بود که دسترسی و ارتباط با پشتکوه مشکل شود و حکومت قاجار کمترین تسلط و نفوذ را در آنجا داشته باشد (مرادی مقدم، ۱۳۸۵ الف: ۱۷۱). دومرگان (بی تا: ۲۲۳) در این خصوص چنین آورده است: «پشتکوه اسماً جزء امپراطوری شاه است؛ اما عملاً مستقل است و (والی) نمی گذارد هیچ مأمور دولتی ای به قلمرو او نفوذ کند». سپهبد امیراحمدی (۱۳۷۳: ۳۳۲) در کتاب خاطرات خود در اوایل سال ۱۳۰۷ هـ.ش. و قبل از اینکه پشتکوه به تصرف نیروهای نظامی حکومت مرکزی درآید، چنین آورده است: «از کبیرکوه به آن طرف (یعنی منطقه ای که در قلمرو غلامرضاخان بود) به حال سابق مانده و از مأمورین دولتی کسی را به آنجا راه نبود».

جدول شماره (۱). والیان فیلی پشتکوه

توضیحات	پادشاهان قاجار معاصر والیان	تاریخ والی گری (هجری شمسی)	والیان فیلی پشتکوه
-	آقامحمدخان و فتحعلی شاه و محمدشاه	۱۲۱۸ - ۱۱۷۵	حسن خان
این سه والی که فرزندان حسن خان هستند، به طور همزمان بر مناطق سه گانه (صفحات ثلاثه) پشتکوه والیگری می کردند.	محمدشاه و ناصرالدین شاه	۱۲۳۵ - ۱۲۱۸	علی خان
			حیدرخان
			احمدخان
-	ناصرالدین شاه	۱۲۴۲-۱۲۳۵	عباسقلی خان
-	ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه	۱۲۷۹-۱۲۴۲	حسینقلی خان
	مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه و احمدشاه (ورزشگاه پهلوی)	۱۳۰۷-۱۲۷۹	غلامرضاخان

(افشار سیستمی، ۱۳۷۲: ۱۵۵-۱۵۹؛ ایزدپناه، ۱۳۵۰: ۵۰-۵۲؛ کرزن، ۱۳۷۳: ۳۳۵)

در تغییر عنوان اتابک به والی در سال ۹۷۵ ه.ش. تنها چیز مهمی که تغییر کرد انتقال حکومت از یک خاندان به خاندان دیگر بود و در همان حال حکومت از اولین اتابک تا آخرین والی بلاانقطاع ادامه یافت و نظام حکومتی هر دو تقریباً به هم شباهت داشت (مورتن سن، ۱۳۷۷: ۷۲). والیان لرستان فیلی بعد از در اختیار گرفتن حکمرانی تا زمان شکل گیری سلسله قاجاریه، در شهر خرم آباد در پیشکوه و در قلعه فلک الافلاک مستقر بودند و از آنجا بر سراسر لرستان فیلی حکمرانی می کردند. آنها با محدود شدن قلمرو و انتقال حکمرانی به پشتکوه، بنا به شرایط زیستمحیطی و موقعیت مرزی پشتکوه، به زندگی کوچ نشینی و جابه جایی فصلی با ایلات و طوایف وابسته روی آوردند. پشتکوه بنا به شرایط زیستمحیطی و موقعیت مرزی ای که داشت، از مدت ها قبل فقط چراگاه احشام ایلات و عشایر بود و چندان مورد توجه والیان نبود و توسط خوانین زیردست والی یا رؤسای عشایر محلی اداره می شد (بهرامی، ۱۳۸۸: ۹۷)؛ در واقع پیشکوه که بهترین قسمت لرستان فیلی بود از آنان گرفته شد و به طور مستقیم زیر نظر حکومت کرمانشاه قرار گرفت (راولینسون، ۱۳۶۲: ۵۱)

(۵۲-). خرم‌آباد مهمترین شهر لرستان فیلی و مرکز پیشکوه محسوب می‌شد و روستاهای بسیاری تابعه آن بود؛ اما ساکنان پشتکوه سکونتگاه ثابتی نداشتند و در زیر سیاه‌چادرها به سر می‌بردند و از مکانی به مکان دیگر کوچ می‌کردند (دوبید، ۱۳۷۱: ۴۲۰). مجاورت با شهرهای بزرگی مانند کرمانشاه و خرم‌آباد و بروجرد، وضع شهرنشینی و اسکان مناسب از ویژگی‌های پیشکوه بود؛ در حالی که پشتکوه منطقه‌ای دورافتاده، مرزی و غیر قابل رسوخ بود که طوایف و ایلات مستقر در آنجا از هر جهت وضع و حال صحرانشینی داشتند (کرزن، ۱۳۷۳: ۳۳۰ - ۳۳۲). دومرگان (بی تا: ۱۵۷ - ۱۵۹) که با اجازه حسینقلی خان از پشتکوه دیدن کرده بود، چنین نوشته است: «در فرود از انجیرکوه، ما به شهر کوچ‌نشین والی حسینقلی خان می‌رسیم. گویی هزار یا هزار و پانصد چادر در اطراف ارباب جمع آمده است. آدم‌هایی که ساکن این چادرهایند، خدمه و سربازان خانند و از ایلات مختلفی که در قلمرو او زندگی می‌کنند، می‌باشند. تمام این جمعیت با رئیسش یکجا جابه‌جا شده و بیش از ۱۵ روز در یک محل نمی‌ماند و این مدت زمانی است که برای خوردن علف‌ها به توسط گوسفندان و اسب‌ها و حیوانات بسیار که همه جا شهر چادرها را دنبال می‌کنند، لازم می‌باشد».

جورج کرزن (۱۳۷۳: ۳۳۶-۳۳۷) که مابین سال‌های ۱۲۶۸-۱۲۷۰ ه.ش. دو بار به ایران مسافرت کرده، چنین آورده است: «اقامتگاه تابستانی حسینقلی خان در بالاده در دره‌ای دورافتاده و جدا افتاده است که به آسانی قابل رسوخ نیست و با چند نفر نیک قابل دفاع است و آن در دامنه کوه بلندی به نام منشت کوه (کوه مانشت) واقع است. در این محل در سال ۱۲۶۷ ه.ش. سروان مونسل او را ملاقات و مشاهده کرد که والی در قلعه مکعبی مسکن دارد که سخت سنگربندی شده است و پیداست که آنجا را برای موضع دفاعی ساخته‌اند؛ ولی داخل آن حیاط و اطاق با وسایل تجملی و اسباب اروپایی بوده است. اقامتگاه زمستانی والی در حسینیه بر دامنه پشتکوه در مقابل مرز ترکیه است».

در مناطق جنوبی پشتکوه نیز در سال ۱۲۸۲ ه.ش. همزمان با شروع مطالعات باستان‌شناسی در دشت دهلران، هنوز هیچگونه سکونتگاهی (روستایی یا شهری) در این دشت شکل نگرفته بود و همزمان با برنامه تخت‌قاچو کردن اجباری کوچ‌نشینان در دوره پهلوی اول است که روستای دهلران به وجود می‌آید و به

تدریج با گسترش و توسعه آن، شهر دهلران شکل می‌گیرد (هول و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۷).

حوزه جغرافیایی‌ای که در این نوشتار به عنوان قلمرو والیان فیلی مورد بحث است، در واقع محدوده و شعاع حرکت ایلات و طوایف فیلی پشتکوه است که در این دوره در معیت والیان خود و به شکل فصلی مابین چراگاه‌های تابستانی و زمستانی در حرکت بوده‌اند. پشتکوه در دوره والیان به دو منطقه «صفحه کُرد» و «صفحه مهکی» تقسیم می‌شد. ایلات و طوایف مهکی در مناطق شمالی حوزه‌های امروزی ارکواز ملکشاهی (شهرستان ملکشاهی)، صالح‌آباد و مناطق شمالی شهرستان‌های مهران، بدره و ایلام ساکن بودند و طوایف کرد در مناطق مرکزی و جنوبی حوزه‌های امروزی موسیان، میمه، دهلران، مورموری، آبدانان و مناطق جنوبی مهران سکونت داشتند (مرادی‌مقدم، ۱۳۸۸: ۵۰ و ۵۱). در این دوره، پشتکوه در سایه حکمرانی والیان فیلی از ثبات و امنیت و آرامش نسبی برخوردار بود و برخلاف پیشکوه از جنگ و گریز طوایف و شورش آنها خبری نبود و پشتکوه با وجود هجوم‌های مکرر عثمانی‌ها و اعراب عراق، یکی از امن‌ترین مناطق ایران بود (همو، ۱۳۸۵ ب: ۸۳). در جریان جنگ جهانی اول و بی‌نظمی‌های حاصل از آن نیز پشتکوه مورد تجاوز قرار نگرفت و تحت مدیریت غلامرضاخان، نظم خود را از دست نداد؛ در حالی که سایر نواحی غرب ایران دچار ویرانی شدند (رزماآرا، ۱۳۲۰: ۱۰۷). غلامرضاخان، آخرین والی، وقتی حکومت پهلوی اول را مخالف والیگری خود دید، به نحو مسالمت‌آمیزی پشتکوه را ترک کرد و به عراق رفت. با رفتن او در سال ۱۳۰۷ ه.ش. حکمرانی والیان فیلی پشتکوه پایان یافت و پشتکوه به دست نظامیان حکومت مرکزی افتاد (مرادی‌مقدم، ۱۳۸۵ ب: ۷۲).

قلمرو جغرافیای سیاسی والیان فیلی پشتکوه

در این قسمت در راستای پرداختن به هدف اصلی نوشتار، برای ترسیم تصویر روشنی از قلمرو جغرافیای سیاسی والیان فیلی پشتکوه، تلاش می‌شود تا منابع تاریخی موجود، به‌ویژه نوشته‌های برجایمانده از دوره قاجار مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد.

حضور برخی از ایلات و طوایف پشتکوه با رمه‌های خود در فصل کوچ



زمستانی در مناطق جنوبی و در حوزه جلگه‌های دزفول یا در مناطق غربی در دشت‌ها و صحاری حوزه مرز عثمانی، موجب بروز ابهاماتی برای برخی از محققان در تشخیص سرحدات مرزهای جنوبی و غربی پشتکوه شده است (دوبُئد، ۱۳۷۱: ۴۱۹ - ۴۲۰). مشیرالدوله و رزم‌آرا رودخانه دویرج (در حوزه شهرستان دهلران) را به عنوان مرز جنوبی پشتکوه معرفی کرده‌اند، ولی بر اساس اسناد برجای مانده از والیان فیلی پشتکوه، مناطق پتک و موسیان که در جنوب رودخانه دویرج هستند نیز قسمتی از پشتکوه بوده است. غلامرضاخان در نامه‌ای به وزارت داخله وقت، رودخانه کرخه در آن سوی مناطق پتک و موسیان را به عنوان مرز جنوبی پشتکوه ذکر کرده است (مرادی مقدم، ۱۳۸۵ الف: ۲۶-۲۷). از سویی نیز همه محققان، سرحدات عثمانی یا ارتفاعات حمیرین (یا سرحدات کشور عراق) را مرز غربی پشتکوه (کرزن، ۱۳۷۳: ۳۳۰؛ مرادی مقدم، ۱۳۸۵ الف: ۲۵؛ امام شوشتری، ۱۳۳۱: ۱۶۷) و منابع تاریخی، سرحدات عثمانی و ارتفاعات حمیرین در غرب و رودخانه کرخه در جنوب را حدود مرزی پشتکوه در این مناطق می‌دانند؛ در نتیجه ابهاماتی که باقی میماند مربوط به مرز بین پیشکوه و پشتکوه و سرحدات پشتکوه در نواحی شمالی و شرقی است؛ از این رو، در ادامه به معرفی قلمرو پشتکوه و سرحدات مرزی شرقی و شمالی این حوزه پرداخته می‌شود.

در سایه حکمرانی والیان فیلی پشتکوه، امنیت و آرامش نسبی در پشتکوه برقرار شده بود، از این رو جهانگردان اروپایی متعددی به پشتکوه مسافرت کردند و اطلاعات و آگاهی‌های ارزشمندی از مشاهدات خود بر جای گذاشتند. از مهمترین منابع معتبر مربوط به والیان فیلی پشتکوه می‌توان به سفرنامه‌ها و خاطرات سیاحان خارجی و داخلی اشاره کرد. اولین محقق خارجی که از پشتکوه دیدن کرد سر هنری راولینسون بود. راولینسون در سال ۱۲۱۵ ه.ش. طی مسافرت تاریخی خود از منطقه سر پل ذهاب به سمت خوزستان، از سرحدات شمال و شرق پشتکوه عبور کرده است. بررسی منابع موجود نشان می‌دهد که سفرنامه راولینسون بیشترین و دقیق‌ترین اطلاعات را در مورد قلمرو والیان فیلی پشتکوه، به‌ویژه در سرحدات شمالی و شرقی و مرز میان پیشکوه و پشتکوه ارائه می‌دهد و حاوی نکات بسیار مهمی در این زمینه است. در این زمان جلگه ایوان (حوزه شهرستان ایوان) در قلمرو ایل کلهر (یکی از ایلات مشهور کرمانشاه) بود.

ایوان روستای کوچکی بود که اقامتگاه رئیس طایفه منصوری (یکی از دو طایفه مهم ایل کلهر) به شمار می‌رفت (راولینسون، ۱۳۶۲: ۴۰). دره آسمان‌آباد (یکی از بخش‌های شهرستان چرداول که در غرب این شهرستان است) نیز در قلمرو طایفه کلهرهای منصوری بود و راولینسون آن را جزء نواحی مرزی بین کرمانشاه و پشتکوه معرفی کرده است (همان: ۴۷). بررسی منابع نشان می‌دهد که نواحی ایوان و آسمان‌آباد در این دوره قسمتی از ایالت کرمانشاه و چراگاه احشام ایلات و طوایف وابسته بوده است. هنگامی که امان‌الله‌خان، فرزند غلامرضاخان، علیه پدرش قیام نمود، غلامرضاخان از پشتکوه فرار کرد و به ایوان پناهنده شد (بامداد، ۱۳۵۷: ۱۷۰). غلامرضاخان یکبار هم تلاش کرد ایوان را به قلمرو خود اضافه کند. جنگی نیز بین او و داوودخان کلهر صورت گرفت؛ ولی در نهایت والی پشتکوه از تصرف ایوان چشم‌پوشی کرد (سلطانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۷۳). در این هنگام دره حاصلخیز هلیلان (یکی از بخش‌های شهرستان چرداول می‌باشد که در شمال شرق آن واقع است)، ملک خالصه دولت به شمار می‌رفت و در اختیار خاندان بالاوندی بود. حسینقلی‌خان، ملک هلیلان را که در اختیار خاندان لطفعلی‌خان بالاوند بود، تصاحب کرد و آن را به یکی از فرزندان خود هدیه داد و آن را ثبت کرد (نظام مافی، ۱۳۶۲: ۱۸۲-۱۸۳). املاک خالصه دولتی در اختیار حکومت مرکزی قرار داشت که به شکل تیول به افراد کشوری یا لشکری واگذار می‌شد؛ در واقع هلیلان به حوزه چراگاه گشت ایلات و طوایف تحت سیطره والی افزوده نشد؛ بلکه والی مالک املاک حاصلخیز آنجا شد و آن را به یکی از فرزندانش بخشید. در این راستا تعدادی از فرزندان در قلعه‌ای در هلیلان ساکن شدند (مورتن سن، ۱۳۷۷: ۷۰). دومرگان (بی تا: ۱۵۷) پس از عبور از هلیلان و پیگیری جاده هلیلان به سمت شیروان (شیروان) و عبور از کوه‌ها و گردنه ملاشعبان، بیان می‌دارد که «وارد قلمرو والی شدیم». در واقع به هنگام حضور و عبور از هلیلان، آنجا را در زمره قلمرو والی به شمار نمی‌آورد. مشاهدات راولینسون گویای این است که محل استقرار احمدخان، والی فیلی پشتکوه، در زنگوان بوده است (راولینسون، ۱۳۶۲: ۵۰-۵۱)، از این رو می‌توان گفت که زنگوان و کارزان (در حوزه شهرستان شیروان) در قلمرو والی و شمال شرقی‌ترین مناطق پشتکوه بوده‌اند.

با تعقیب مسیر حرکت راولینسون، به نقل قول جالبی از ایشان می‌رسیم:

«در امتداد صحرای لرت (لارت) (در حوزه شهرستان بدره) و در جهت شرقی به راه خود ادامه دادم و پس از پیمودن تقریباً ۳۲ کیلومتر به اردوگاه میرزابزرگ، حاکم پیشکوه، که در جلگه صیمره (سیمره در حوزه شهرستان دره شهر) و در کنار رود کرخه قرار دارد، رسیدم. جلگه صیمره از نظر جغرافیایی جزء پشتکوه محسوب می شود؛ ولی محمدعلیمیرزا (شاهزاده قاجاری حاکم پیشکوه، همدان و کرمانشاه) آن را جزء منطقه پیشکوه می داند. در حال حاضر صحرای لرت و صیمره سرحد بین پیشکوه و پشتکوه محسوب می شوند» (همان: ۶۴). در این زمان اردوگاه محمدعلیمیرزا، فرزند فتحعلی شاه، در جلگه صیمره بود. این جلگه در دوره قاجار هم حوزه قشلاق کوچ نشینان ایلات دریکوند و بیرانوند (از ایلات مشهور پیشکوه) به شمار می رفت و هم عمله والیان پشتکوه به شکل فصلی اراضی حاصلخیز آنجا را کشت می کردند. در این باره راولینسون چنین آورده است: «جلگه صیمره به وسیله ۳۰۰ خانوار از عمله پشتکوه کشت می شود و همچنین محل قشلاق ۱۰۰۰ خانوار از ایلات لرستان است» (همان). بیسبب نیست که در سال ۱۳۱۵ ه.ش. به هنگام عبور بهمن کریمی، اراضی کشاورزی صیمره را زمین والی می گفتند (کریمی، ۱۳۲۹: ۱۱۹-۱۲۰). هنری فیلد (۱۳۴۳: ۲۰۷) که در سال ۱۳۱۳ ه.ش. مطالعاتی مردم شناسی در ایران انجام داده، صیمره را جزئی از پیشکوه معرفی کرده است. «در بحث پرداخت مالیات ها نیز صیمره جزء مناطق پیشکوه به شمار می رفت» (راولینسون، ۱۳۶۲: ۱۵۳ و جدول های ۲ و ۳). در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار اراضی صیمره به دولت تعلق داشت و در آنجا انبارهای دولتی برای ذخیره سازی غلات و انبارهای اجناس خالصه دیوانی دایر بود (والیزاده معجزی، ۱۳۸۰: ۸۷؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۸۵۸۶).

در اواخر دوره قاجار و همزمان با دوره غلامرضاخان والی، شخصیتی به نام میرصیدمحمدخان به عنوان وزیر و معتمد والی (والیزاده معجزی، ۱۳۸۰: ۶۴۹ و ۶۵۶) در صیمره حکمرانی داشت که همزمان با پهلوی اول، از طرف دولت مرکزی و به تحریک سپهبد امیراحمدی از صیمره به قصد تصرف پشتکوه حرکت کرد و البته موفق نشد (همو، ۱۳۸۲: ۱۱۸-۱۱۹). به دلیل واقع شدن صیمره در پیشکوه، دولت مرکزی راحتتر از والیان پشتکوه به این منطقه دسترسی داشت؛ زیرا مانعی جدی برای دولت مرکزی سر راه نبود و این در حالی است که برای رسیدن به پشتکوه باید از معبر سخت کبیرکوه می گذشتند. به همین علت

است که در گذشته سیمره را سرحد پیشکوه می‌گفتند (امام شوشتری، ۱۳۳۱: ۱۳۹-۱۴۰). حکومت قاجار در مواقع ضعف یا بروز اغتشاشات در پیشکوه، دست به دامن والیان فیلی پشتکوه می‌شد. در یکی از کشمکش‌ها که والی به کمک حکومت مرکزی شتافت، غلامرضاخان از طرف مظفردالدینشاه به نیابت حکومت تمام پیشکوه و پشتکوه منصوب شد؛ ولی او در عمل اقدامی جدی در این زمینه انجام نداد و تنها در پشتکوه حکومت کرد (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۹۹). به نظر می‌رسد که به دلایل مختلف، منطقه پشتکوه قلمرو مطلوب والیان فیلی پشتکوه بود.

بازخوانی و ارزیابی منابع تاریخی گویای این است که قلمرو جغرافیای سیاسی والیان فیلی پشتکوه با قلمرو طبیعی پشتکوه در هم آمیخته است. در واقع این قلمرو که مناطق جنوب، جنوب غرب، غرب و شمال غرب کبیرکوه را شامل می‌شد، محدوده تقریبی شهرستان‌های آبدانان، دهلران، مهران، ملکشاهی، ایلام و سیروان را در بر می‌گرفت و این در حالی است که محدوده تقریبی شهرستان‌های ایوان، چرداول، بدره و دره‌شهر در این قلمرو قرار نداشت. بر اساس این پندار درست است که امام شوشتری (۱۳۳۱: ۱۶۷) سرزمین پشتکوه را این چنین معرفی می‌کند: «پشتکوه ناحیه‌ایست طولانی که در سرحد عراق عرب واقع شده، شمال آن را رود کنگیر (حوزه شهرستان ایوان) از خاک کرمانشاه جدا می‌کند و شرق آن سلسله کبیرکوه است و مغرب آن خط سرحدی ایران و عراق و جنوب آن به اراضی ولایت دزفول و بنیطرف میبوند».

نتیجه‌گیری

بعد از انتقال و جابه‌جایی و محدود شدن حکمرانی والیان به حوزه پشتکوه، ایلات و طوایف تازه‌وارد به پشتکوه در معیت والیان خود، شیوه زندگی متحرک کوچ‌نشینی را در پیش گرفتند و تمام سال را مابین چراگاه‌های زمستانی و تابستانی می‌گذراندند. پشتکوه قلمرویی طبیعی در ماوراء کبیرکوه و حد فاصل کبیرکوه و مرزهای امپراطوری عثمانی بود که با توجه به ضرورت‌های سیاسی تاریخی در دوره قاجار قلمروی کوچ ایلات و طوایف تحت فرمان والیان شد. کبیرکوه نقشی اصلی در هویتبخشی به این قلمرو و انسجام آن داشته و پشتکوه به واسطه وجود آن شکل گرفته است. از این روست که نویسندگان دوره

قاجار، کبیرکوه را حدّ فاصل بین پیشکوه و پشتکوه و اساس این تقسیم‌بندی معرفی کرده‌اند. دیواره کبیرکوه هویت مستقّلی به قلمرو والیان فیلی پشتکوه داده بود؛ به طوری که دسترسی به این قلمرو حتی برای حکومت مرکزی دوره پهلوی اول نیز سخت بود. این مانع سترگ همانند دیواری بلند و طویل موجب سختی دسترسی به پشتکوه شده بود و در واقع، حصار طبیعی برای قلمرو والیان فیلی پشتکوه محسوب می‌شد. موقعیت جغرافیایی پشتکوه و دوری از دستگاه حکومت قاجار، نوعی استقلال نسبی به والیان فیلی پشتکوه داده بود و شیوه زندگی‌ای که برگزیده بودند نیز سنخیت منسجمی با قلمروی آنان داشت. مطالعه و بررسی قلمرو جغرافیای سیاسی والیان فیلی پشتکوه نشان می‌دهد که قلمرو آنان با قلمرویی طبیعی به نام پشتکوه در هم آمیخته است؛ در واقع در این زمان، تغییر محسوسی در قلمرو طبیعی پشتکوه رخ نداد و قلمرو جغرافیای سیاسی والیان فیلی به پشتکوه محدود شد. والیان فیلی پشتکوه گاهگاهی منازعات و کشمکش‌هایی با عثمانی‌ها داشته‌اند تا جایی که بعضی مواقع، مناطق بدرایی (بدره)، عماره و بکسائیه (باغ شاهی که ملک شخصی والی بود) را نیز به قلمرو خود افزوده‌ان؛ با این حال، در نهایت ارتفاعات حمزین به عنوان مرز بین پشتکوه و عثمانی‌ها پذیرفته شد. غلامرضاخان برای اینکه به سرنوشت سایر رؤسای ایلات و سران نام‌آور مناطق گرفتار نشود به ملک شخصی خود در بکسائیه پناه برد و از آنجایی که در خارج از مرزهای ایران (پشتکوه) بود، در امان ماند.

با بررسی منابع تاریخی مربوط و از نگاه سرزمینی می‌توان گفت که قلمرو طبیعی پشتکوه با شروع سلطنت قاجار به قلمرو جغرافیای سیاسی والیان فیلی پشتکوه تبدیل شد و مناطق جنوب، جنوب غرب، غرب و شمال غرب کبیرکوه، چراگاه گشت ایلات و طوایف مختلف فیلی گردید. این قلمرو، مناطق وسیعی از استان ایلام شامل محدوده تقریبی شهرستان‌های آبدانان، دهلران، مهران، ملکشاهی، ایلام و سیروان را پوشش می‌داد. مناطق ایوان و آسمان‌آباد هم چراگاه احشام طوایف کلهر و از توابع کرمانشاه محسوب می‌شد. اراضی حاصلخیز هلیلان نیز در زمره املاک خالصه دولت بود که تا زمان حسینقلی خان در اختیار خاندان بالاوندی بود و در این زمان حسینقلی خان آنجا را به نام یکی از فرزندان خود ثبت کرد. مناطق بدره و سیمره (دره‌شهر) نیز در مرز بین

پشتکوه و پیشکوه واقع بودند تا جایی که از یک سو، عمله والی برخی اراضی سیمره را کشت می‌کردند و از طرف دیگر، این مناطق اطراکگاه زمستانی ایلات و طوایف پیشکوه به شمار می‌رفت و بعضی مواقع نیز حاکمان پیشکوه در آنجا اردوگاه می‌زدند؛ با این حال می‌توان گفت از آنجایی که مناطق بدره و سیمره در جلو ارتفاعات کبیرکوه (پیشکوه) هستند، دسترسی به این مناطق برای ساکنان پیشکوه به سهولت انجام می‌شده است؛ در واقع، مناطق مذکور در حوزه پیشکوه و شرق کبیرکوه قرار دارند؛ لذا به دلایل متعدد نمی‌توان این مناطق را قسمتی از قلمرو والیان فیلی پشتکوه محسوب کرد.

بررسی و واکاوی منابع تاریخی این دوره حاکی از این است که حوزه طبیعی پشتکوه با توجه به ضرورت‌های سیاسی تاریخی دوره قاجار، به قلمرو جغرافیای سیاسی والیان تبدیل شد و محدوده تقریبی شهرستان‌های ایوان، چرداول، بدره و دره‌شهر خارج از این قلمرو بودند؛ از این رو، ضرورتی ندارد بدون در نظر گرفتن واقعیات تاریخی، استان ایلام را معادل پشتکوه در نظر بگیریم. پشتکوه محدود به قسمت‌هایی از استان ایلام است و تمام حوزه این استان را شامل نمی‌شود. پشتکوه صرفاً در دوره قاجار به شکل یک قلمرو سیاسی وارد تقسیم‌بندی‌های سیاسی شد و استان ایلام بر اساس تقسیم‌بندی‌های سیاسی اخیر و ۵۰ سال بعد از اضمحلال حکومت محلی والیان فیلی پشتکوه شکل گرفت؛ در نتیجه نمی‌توان آن را با پشتکوه برابر دانست و این نوع پنداشت بیشتر از عدم آگاهی محققان معاصر سرچشمه می‌گیرد.

- فهرست منابع و مأخذ

- الف (فارسی)
- ابن حوقل؛ (۱۳۴۵)، صورت الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- افشار سیستانی، ایرج؛ (۱۳۶۶)، مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران، ج ۱، تهران: مؤلف.
- _____؛ (۱۳۷۲)، ایلام و تمدن دیرینه آن، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم؛ (۱۳۶۸)، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی.

- افضل الملک، غلامحسین؛ (۱۳۶۱)، افضل التواریخ، به کوشش منصور اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.
- اکبری، مرتضی؛ (۱۳۹۰)، تاریخ تحولات استان ایلام از صفویه تا پهلوی، مشهد: شاملو.
- _____؛ (۱۳۹۳)، تاریخ استان ایلام در عصر پهلوی، ایلام: جوهر حیات.
- امام شوشتری، سید محمدعلی؛ (۱۳۳۱)، تاریخ جغرافیایی خوزستان، تهران: مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر.
- امان‌الهی بهاروند، سکندر؛ (۱۳۸۵)، قوم لر، تهران: آگاه.
- امیدفرد، الهام و روح‌الله بهرامی؛ (۱۳۹۷)، «بررسی تعامل دولت مرکزی و حاکمان محلی در دوره پهلوی اول با تأکید بر رویارویی والی پشتکوه (ایلام) و شیخ خزعل»، فرهنگ ایلام، دوره ۱۹، شماره ۵۸ و ۵۹، صص ۵۷-۷۵.
- امیراحمدی، احمد؛ (۱۳۷۳)، خاطرات نخستین سپهبد ایرانی، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- ایزدپناه، حمید؛ (۱۳۵۰)، آثار باستانی و تاریخی لرستان، ج ۱، تهران: انجمن آثار ملی.
- بامداد، مهدی؛ (۱۳۵۷)، شرح حال رجال ایران، ج ۵، تهران: زوار.
- بدیعی، ربیع؛ (۱۳۷۰)، جغرافیای مفصل ایران، ج ۱، تهران: اقبال.
- بهرامی، روح‌الله؛ (۱۳۸۸)، سلسله‌الیمان لرستان، تهران: حروفیه و دانشگاه لرستان.
- ترکمان، اسکندریگ؛ (۱۳۹۰)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۱، به کوشش فرید مرادی، تهران: نگاه.
- دفتر آمار و فناوری اطلاعات وزارت جهاد کشاورزی؛ (۱۳۸۶)، برآورد سطح تهیه نقشه اراضی کشاورزی استان ایلام به تفکیک شهرستان، تهران: معاونت امور برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی.
- دوئد، بارون؛ (۱۳۷۱)، سفرنامه لرستان و خوزستان، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: علمی و فرهنگی.
- دومرگان، ژاک؛ (بی‌تا)، هیئت علمی فرانسه در ایران، ترجمه کاظم ودیعی، ج ۲، تبریز: شفق.
- راولینسون، سر هنری؛ (۱۳۶۲)، سفرنامه راولینسون، ترجمه سکندر امان‌الهی بهاروند، تهران: آگاه.
- رزم‌آرا، حاجعلی؛ (۱۳۳۱)، فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۵، تهران: دایره جغرافیایی ستاد ارتش.

- _____؛ (۱۳۲۰)، جغرافیای نظامی ایران، پشتکوه، تهران: بی نا.
- خیتال، جعفر؛ (۱۳۶۹)، مجموعه آراء در مورد سرزمین پشتکوه ایلام، ایلام: کتاب فروشی اسماعیلی.
- حقیقت رفیع، عبدالرفیع؛ (۱۳۷۶)، فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستان‌های ایران، تهران: کومش.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح؛ (۱۳۸۴)، فرهنگ جغرافیایی رودهای کشور، حوزه آبریز خلیج فارس و دریای عمان، ج ۴، تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام؛ (۱۳۸۵)، سالنامه آماری استان ایلام ۱۳۸۴، معاونت اطلاعات و آمار.
- ساکی، علیمحمد، (۱۳۴۳)، جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان، خرم‌آباد: کتابفروشی محمدی.
- سلطانی، محمدعلی؛ (۱۳۷۲)، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ایلات و طوایف کرمانشاهان، ج ۲، تهران: موفق.
- شاکرمی، عبدالحسین؛ (۱۳۷۱)، فرهنگ و تاریخ دره شهر، قم: ناصر.
- صفی‌نژاد، جواد؛ (۱۳۸۱)، لرهای ایران، تهران: آتیه.
- طاهری، نصرت‌الله؛ (۱۳۵۱)، «جغرافیای تاریخی ایلام و پشتکوه»، زمین و زمان، سال دهم، شماره ۶: صص ۱۴-۱۸.
- فیلد، هنری؛ (۱۳۴۳)، مردم‌شناسی ایران، ترجمه عبدالله فریار، تهران: ابن سینا.
- کرزن، جورج؛ (۱۳۷۳)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- کریمی، بهمن؛ (۱۳۱۶)، جغرافیای مفصل تاریخی غرب ایران، تهران: چاپخانه فرهنگ.
- _____؛ (۱۳۲۹)، راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران، تهران.
- کیهان، مسعود؛ (۱۳۱۰)، جغرافیای مفصل ایران، ج ۱، تهران: بی نا.
- مرادی‌مقدم، مراد؛ (۱۳۸۵ الف)، تاریخ سیاسی اجتماعی کردهای فیلی در عصر والیان پشتکوه (ایلام)، تهران: پرسمان.
- _____؛ (۱۳۸۵ ب)، «تاریخ سیاسی و اجتماعی پشتکوه در دوران والیان فیلی»، مطالعات ملی، سال هفتم، شماره ۱، ۷۱-۹۶.
- _____؛ (۱۳۸۸)، «فتحنامه‌های والیان ایلام در نامه حزب میهنپرستان ایل کُرد»، فرهنگ ایلام، شماره ۲۴ و ۲۵، صص ۵۰-۶۲.
- مظاهری، خداکرم؛ (۱۳۸۹)، «متون کهن و ایالت ماسبدان در قرون اولیه»

اسلامی»، گردآورنده حبیب‌الله محمودیان، مجموعه مقالات اولین کنگره بزرگداشت امامزاده علی صالح (ع)، ایلام: دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ۵۹-۶۹.

- _____، محسن زینی‌وند و بهرام کریمی؛ (۱۳۹۳)، «زوال ولایت مهرجانقدق بر اساس متون تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی»، پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال چهارم، شماره ۲، ۸۵-۱۰۲.
- مورتن سن، اینگه دمانت؛ (۱۳۷۷)، کوچنشینان لرستان، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: پژوهنده.
- نظام مافی، حسینقلی‌خان؛ (۱۳۶۲)، اسناد و خاطرات، به کوشش منصور اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.
- ناشناس؛ (۱۳۷۰)، جغرافیای لرستان پیشکوه و پشتکوه، به کوشش سکندر امان‌الهی بهاروند، خرم‌آباد: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نوری، مرتضی و محمود مهمان‌نواز؛ (۱۳۹۱)، «بررسی اسنادی کشمکش‌های وایان پشتکوه (ایلام) با حکومت عثمانی بر سر معادن نمک (۱۳۴۷-۱۲۵۵ ق. ۱۹۲۸-۱۸۳۸ م.)»، گنجینه اسناد، سال ۲۲، دفتر ۳، ۲۰-۴۰.
- والیزاده معجزی، محمدرضا؛ (۱۳۸۰)، تاریخ لرستان روزگار قاجار، به کوشش حسین و محمد والیزاده، تهران: حروفیه.
- _____؛ (۱۳۸۲)، تاریخ لرستان روزگار پهلوی، به کوشش حسین و محمد والیزاده، تهران: حروفیه.
- هدایت، رضاقلی‌خان؛ (۱۳۸۰)، تاریخ روضه‌الصفای ناصری، ج ۱۰، تصحیح جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- هول، فرانک، کنت فلانری و جیمز نیلی؛ (۱۳۹۸)، پیش از تاریخ و بوم‌شناسی انسانی دشت دهلران، ترجمه حسین رئیس‌ی و امیر خانمرادی، تهران: مهرجرد.
- یعقوبی، ابن واضح (احمد بن ابی‌یعقوب)؛ (۱۳۷۸)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی.

ب) انگلیسی

- Haerinc, E. and Overlaet, B.)2002(,»The chalcolithic and the early Bronze Age in Pusht-I Kuh, Luristan: chronology and mesopotamian contacts», Akkadica, no/ 123,163-181.